

حبس ابد

برای افشای حقیقت

(یادداشت‌های زندان)

برگردان به زبان فارسی از ترکی

Sabine Adamec زاینه اداتپه

نویسنده: جان دوندار Can Dondar

مترجم: دکتر نصرت‌اله آصف‌پور



ناشر برگزیده‌ی سال‌های ۸۹، ۸۷، ۸۵، ۷۹، ۹۰، ۹۲، ۹۳ و ۹۶

«سراغاز و موضوع کتاب»

- جان دوندار در نوامبر ۲۰۱۵ زندانی شد. به او تهمت جاسوسی، خیانت و افشای اسرار مهم مملکتی زده شد. جرم او: کشف و افشای محموله ابزار جنگی، سرویس سری و مخفی ترکیه به سوریه بود. رئیس جمهور اردوگان شخصاً اقدام به گزارش و شکایت کرده درخواست اشد مجازات (حبس ابد) می‌داد. دوندار پس از ۳ ماه حبس فعلاً آزاد می‌شود. در محاکمه بعد از سال و ده ماه حبس محکوم می‌شود. در برابر ساختمان دادگستر، دوندار بر روی دیوار سوء قصد قرار می‌گیرد، سوء قصد کننده به او اتهام خیانت به سرزمین، پسری می‌زند. دوندار به کوشش همسرش که به موقع دست ضارب را پایین می‌شد، سوء قصد جان بدر می‌برد.

- دوندار در یادداشت‌هایش تحت عنوان «حبس ابد برای افشای حقیقت» داستانی از پس داداستانی از اقامت نه‌درآمدی‌گزارشش درباره انتقال غیرمجاز اسلحه و مهمات جنگی را که سجنان زندان افرادی او شده بود حکایت می‌کند. او محصور در زندان بتون ارمنه زندانی اکستری در راه مبارزه برای آزادی بیان و مطبوعات در ترکیه و نبرد در راه آن پیروی تازه می‌یابد.

با یک پیشگفتار از جان دوندار به مناسبت چاپ آلمانی و یک پیشگفتار از نویسنده مؤلف و ژورنالیست F.A.Z. فرانکفورته آلمانیه تسایتونک خانم کارن کروگر Karen Krüger. متن اصلی این کتاب تحت عنوان ما زندانی شدیم (توتوکلندیک) به زبان ترکی به وسیله انتشارات یالینلا در استانبول به چاپ رسیده است.

«فهرست»

- پیشگفتار برای انتشار کتاب به زبان آلمانی ۱۵
- دیباچه ۲۱
- ۱- تپه‌کاری ۲۹
- ۱- تهدید ۴۰
- ۳- برداش ۴۸
- ۴- مجاری ۵۹
- ۵- دادگاه ۶۷
- ۶- سفر ۸۲
- ۷- شب ۹۲
- ۸- روز ۱۰۱
- ۹- متن ۱۱۰
- ۱۰- جاسوس ۱۱۵
- ۱۱- ملاقاتی ۱۲۲
- ۱۲- دیلک ۱۲۹
- ۱۳- نفرین ۱۳۵
- ۱۴- زمان ۱۴۰
- ۱۵- رفتن به حیاط ۱۴۶
- ۱۶- اِگه Ege ۱۵۰
- ۱۷- انزوا ۱۵۴

۱۶۲	۱۸- ویلا
۱۶۸	۱۹- ندامتگاه
۱۷۳	۲۰- بیرون
۱۷۸	۲۱- حیات
۱۸۷	۲۲- کار بیهوده «Sisyphos»
۱۹۲	۲۳- نگهبانی
۱۹۷	۲۴- کارگذار
۲۰۱	۲۵- جها
۲۰۹	۲۶- بُست
۲۱۷	۲۷- در بیرون
۲۲۳	۲۸- تغییر فصل
۲۳۷	۲۹- کلینیک
۲۴۵	۳۰- رنگ ها
۲۵۲	۳۱- بسته ها
۲۵۷	۳۲- اِردم
۲۷۳	۳۳- عشق
۲۷۷	۳۴- تئاتر
۲۸۱	۳۵- خورشید
۲۸۷	۳۶- تشکر
۲۹۲	۳۷- آزاد شدن
۲۹۶	پیشگفتار از کارن کروگر
۳۱۱	تصاویر

«پیشگفتار برای انتشار کتاب به زبان آلمانی»

وقتی صبح دوشنبه ششم ماه مه ۲۰۱۶ از خانه بیرون رفتم، چیز عجیبی به خاطر آمد:

- در اتومبیلی که برای بردن من آمده بود، جای نگهبانی که اخیراً برای محافظت از من گذاشته بودند خالی بود.

- در زمانی که تهدیدها بالا گرفته بود، دولت برای محافظت از من مامور گذاشته شده ظاهرأ امروز صبح دیر از خواب بیدار شده بود. با وجود این که روز هم برای من خاص و مهمی بود.

- در محاکمه‌ای که در آن بام دوباره حبس ابد درخواست شده بود، منتظر صدور رای دادگاه بودیم.

- من در جواب تلفن به محافظان مستقیماً به دادگاه بیاید.

- و او آمد.

ما برای محاکمه وارد دادگاه شدیم. بار چهارم به سرعنی بودن دادگاه سالن نسبتاً خالی بود. ما آخرین حرف‌هایمان را زدیم، چندین بار تأکید کردیم که محکومیت برای گزارشی که صحت و درستی آن تأیید شده و اهمیت ویژه‌ای برای افکار و اذهان عمومی دارد، ضربه غیر قابل‌تحمّل به آزادی مطبوعات و پایمال کردن حقوق مردم خواهد بود.

- قاضی برای مشورت درباره رای موقتاً تنفس داد.

- ما از سالن بیرون آمدیم.

- می‌خواستیم در کافه‌ای که در آن نزدیکی بود منتظر بمانیم. وقتی از در دادگاه بیرون آمدیم متوجه شدم که برخلاف انتظار باز هم محافظم در کنارم نیست.

- خانمم و یک نماینده از مجلس CHP مرا همراهی می‌کردند:

- بیرون از دادگاه با بعضی از همکاران در حال گفتگو بودم، که ناگهان مری خشمگین و برافروخته به طرفم حمله کرد.

- ابتدا برق لوله تپانچه را در دستش دیدم، بعد بوی دود باروت را استشمام کردم.

- و در این لحظه شنیدم که آن مرد فریاد می‌زند «خائن به سرزمین پدری!»

- این برجسبی بود که اینک رئیس جمهوری اردوگان بر من زده می‌شد، و گلوله، ظاهراً، زینتهای بسیار گران که برای آن باید می‌پرداختم.

- ما قاعدتاً در امن‌ترین نقطه ترکیه ایستاده بودیم. جایی که معمولاً حتی پرنده‌ای بدان راه نداشت چه برسد یک آدم مسلح.

- مجری برنامه‌های تلویزیونی که در تمام به من پوشش داد و همسرم به‌طور جهشی دست ضارب را پایین کشید و بالاخره دوست نماینده پارلمانم او را مغلوب کرد.

- اندکی بعد تازه چند پلیس سر رسیدند. و ضارب را دستگیر کرده، بردند.

- همکاری که به من پوشش داده بود پایش مورد اصابت سطحی گلوله قرار گرفته بود.

- به همت و همیاری همراهان از سوء قصد جان سالم بدر بردم. اکنون دیگر روشن بود که نه تنها روزنامه‌ام بلکه روزنامه‌نگاریم، و آزادیم همه در خطر هستند، حتی، زندگیم هم.

- به محض شنیدن خبر سوء قصد به من، دوستان سراسیمه دور ما جمع شدند. ولی ما به زودی برای استماع رای وارد سالن دادگاه شدیم.

- قضی ضمن اظهار همدردی، رای را اعلام کرد:

- ۳ سال و ده ماه حبس به جرم افشای اسرار مهم دولتی...

- وقتی دادگاه خارج شدم یک بیانیه دادم: ظرف یک ساعت یک سوء قصد جانی را صدور یک حکم دستوری دروغ، ولی من به هیچ وجه سکوت نخواهم کرد.

- ضارب در اظهاراتش گفت، بود که من خواستم به خاطر نوشته‌هایش به او درس و تذکری داده باشم.

- روز اعلام رای گذرنامه‌ام را نیز از دادگاه به من مسترد داشتند.

- آیا این اشاره‌ای بود مبنی بر این که خونت را از این کشور دور کن و به ساحل نجات برسان؟ وقتی این کتاب به چاپ رسید به مجازات زندان برگردن، و بوی دود باروت در بینی... هنوز هم منتظر آتش جدید نظر بودم.

- سال ۲۰۱۶ نه تنها سالی پرمخاطره برای من، بلکه برای تمام ترکیه بود. درست ده هفته پس از من ضربه‌ای سنگین و مسلحانه بر دموکراسی ترکیه فرود آمد.

- در ۱۵ جولای جنبش گولن، که سال‌ها هم رزم حاکمان قدرت بود، کودتایی بر علیه دولت برنامه‌ریزی کرد. کودتا از داخل ارتش آغاز، مجلس

بمباران شد، نظامی‌ها و پلیس به جان هم افتادند، در بعضی جاها حتی سربازان در برابر سربازان قرار گرفتند با این که خون زیادی ریخته شد، خوش بختانه کودتا به شکست انجامید.

- مردم ترکیه، که در طول تاریخ همواره زیرستم انواع کودتاها و جنگ‌های نظامی درد می‌کشید و متالم بود، این بار وارد میدان شد، به بابان‌ها آمد و خودش را در برابر تانک‌ها قرار داد و بدین ترتیب ترکیه را از یک خطر مدهش و فاجعه بزرگ نجات داد.

- ولی به جای آن که اکنون به دنبال پیروزی بر این کودتای نافرجام، حمایت مردمی ضد کودتا را به عنوان یک شانس و موهبت برای دموکراسی به کار گیرند، متأسفانه دولت ترکیه از این موقعیت استفاده کرد تا هر چه بیشتر بر سرکوب مردم بپردازد. در تمام کشور حالت فوق‌العاده اعلام شد. که آنسوی تنقوۃ بشر اروپایی بی اعتبار و از برنامه خارج شد. دولت با اختیارات ویژه مجال حاکمیت مطلق یافت در حالی که پارلمان عملاً کنار زده شد. به مدت زندانی کردند افراد اضافه شد و برای تصویب و به کارگیری دوباره مجازات اعلام تدارک دیده شد. در تمام کشور بگیر و به بندها آغاز و هزاران ژورنالیست، نویسنده، استاد دانشگاه، قاضی، دادستان، سرباز، پلیس، کارمند بریدان افکنده شدند. بسیاری روزنامه‌ها، ارتباطات اینترنتی بسته و تعطیل شد. و آنچه خراب در مخالفت با این کارها اعتراض کرد، با لجبازی تنش در ارتباطات را نزدیک به از هم گسستن ادامه دادند.

- کودتای نظامی عقیم گذاشته شد. ولی تهاجم مردمی بعد از آن باعث از دست دادن بسیاری آزادی‌ها شد.

- حال پیردازیم به اثرات شخصی کودتا. اولین مراجعی که از دادگستری از خدمت کنار گذاشته شدند، قاضیان دادگاه‌های عالی و حافظ قانون اساسی کشور که باعث آزادی ما شده بودند.

- پس از آن نوبت به تغییرات در ترکیب دادگاه‌های تجدیدنظر، که در پاسخ به اعتراض ما نسبت به محکومیت رای به زندان دادند. دادستانی که در صورت توقیف کردن ما را داده و لایحه اتهام علیه ما را آماده کرده بود با ارتقاء مقام دست دادستان کل استانبول را دریافت کرد.

- محاکمه‌ای جدید آغاز شد، که در مورد اتهام چنین اشعار می‌داشت که من با دادار خرم می‌بربر با دواشتم به عنوان عاملی برای برنامه‌ریزی‌های پشت پرده بر کودتای گولن کمک کرده‌ام.

- دادگاهی که این محاکمه را انجام می‌دهد، هنوز قبل از شروع محاکمه اعلام کرد، که گذرنامه‌ام فاقد اعتبار است. سال ۲۰۱۶ برایم در سلول زندان آغاز و با دود باروت، محکومیت، محاکمه جدید و احتمالاً زندانی شدن دوباره آغاز گردید.

- دموکراسی ضعیف هم مانند من سعی دارد راهی از میان برد باروت، کودتاها، تفتیش عقاید و تعقیب دگراندیشان، موج بگیرد به سبدها و سیاست سرکوب‌گرانه پیدا کرده، نفسی بکشد تا به فردایش امید ببندد.

- نوشتن هر جمله، درباره کشوری که وضعیتش از امروز تا فردا به شدت دگرگون می‌گردد بدان محکوم است که در این لحظه دیگر حقیقی نیست و کارایی ندارد ولی با وجود این اگر بخواهیم این بخش زمانی را که این

کتاب به وجود آمد مستند و ثبت کنیم، امیدواریم در فردایی با موقعیت بهتر این سطور خوانده شوند و بتوانیم بگوییم: دوران تیره و تاری بود، ولی خوش بختانه گذشته است.

- حال که این کتاب را در معرض مطالعه خوانندگان اروپایی قرار می‌دهم، می‌خواهم نه تنها به عنوان ژورنالیستی که برای آزادی مطبوعات مبارزه می‌کند، بلکه به عنوان شهروند یک ملت که تلاش می‌کند، دموکراسی را در بوسان میان سربازخانه و مسجد، زنده نگه دارد، به آنان توسل جویم. به مبارزان با بی‌نایی و موجودیت دموکراسی در ترکیه کمک و همیاری کنید! این کمک نه تنها ارزشی فوق‌العاده برای ترکیه دارد، بلکه برای اروپا هم از اهمیت بالایی برخوردار است.

- ترکیه این‌گونه به‌رومی مخالف با اروپا و خودکامه، ترکیه بدون اروپا تک رنگ تنها و به‌خودرهاست. برای ناره اروپا به شدت زیان‌بار خواهد بود. - ترکیه را مطمئن کنید، که اروپا یک کلوب مسیحیت نیست، بلکه جامعه‌ای مدرن و متمدن است، و اروپا به نفع خود باید از سد و انسداد اسلام تندرو گذشته برای اسلام واقعی اغوش باز دهد.

- فقط بدین گونه می‌توان، این جنگ مذهبی شدید با انگیزه‌های مخرب و خانمان برانداز را که دارد جهان را به لبه پرتگاه سوق می‌دهد، همچنین اپی‌دمی ناسیونالیسم و دولت‌های واپس‌گرا را که باعث جنگ و خون‌ریزی می‌گردند، مهار کرد.

جان دوندار

آگوست ۲۰۱۶